

ندای اصفهان

آیت الله سید ابوالحسن مهدوی: شرط هفتم وجوب قصر نماز مسئله 49

کدخبر: 133990

11 فروردین 1400 در ساعت 10:52 ب.ظ

ندای اصفهان- حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (زید عزه) و حواشی بر کتاب عروه الوثقی مورخ یکشنبه ۱۰/۱۲/۹۹ که به طور اختصاصی توسط ندای اصفهان پیاده سازی شده است، به نظر طلاب و اساتید می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی اینجا را کلیک کنید.

کتاب الصلاة- فصل فی صلاة المسافر- شرط هفتم وجوب قصر نماز مسئله ۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله ۴۹: مسئله‌ای که در مباحث گذشته فقهی مرتب به او اشاره‌ای شد ولیکن در این مسئله به‌طور یک جا مجدد آن را تصریح می‌کنیم با نکات اضافه‌ای که قبلاً نگفتیم و آن این است که کسی که شغلش سفر است و باید نمازش را تمام بخواند معتبر است که نه در شهر خودش و نه در غیر شهر خودش عشره ایام اقامه نکند، در مسافرت هم در یک جا عشره ایام توقف نکند تا در همه سفرهایش نمازش تمام بشود.

اگر در وطن یا در غیر وطن عشره ایام توقف کرد حکم عملیت سفر از او منقطع می‌شود و در سفر اول که برای کار خودش می‌رود مثلاً مکاری هست و کرایه می‌دهد خودش هم همراه شتر یا اسب حرکت می‌کند در آن سفر اول نمازش شکسته می‌شود اما در سفر دوم یا سوم دیگر نمازش تمام است، گرچه احتیاط مستحب آن است که در سفر دوم و سوم جمع بخواند و از سفر چهارم تمام بخواند.

فرقی نیست در این حکم بین مکاری، ملاح، پستیچی و غیر این‌ها هر کسی که شغلش سفر هست و باید در سفر برود و مشغول بکار هست، یا کشتی‌بان است یا دابه خودش را کرایه می‌دهد یا نامه می‌برد. اما در صورتی که کمتر از ده روز در وطن یا در سفر باقی بماند اثری ندارد، لذا وقتی دوباره سفر می‌کند باقی بر همان نماز تمام است گرچه احوط آن است که اگر پنج روز اقامه کرد باید جمع بخواند. همچنین فرقی نیست در اقامه در بلد خودش ده روز بین این که از روز اول نیت هم بکند که من می‌خواهم ده روز بمانم یا بدون نیت همین‌طور ده روز بگذرد.

لذا صرف بقا و ماندن در مکان بدون نیت حتی همین که ده روز باقی بماند موجب می‌شود که حکم او به قصر در سفر اول برگردد در عین حال می‌گویند احوط آن است که اگر در غیر بلدش ده روز بدون نیت اقامه کرد بعد یک سفری را آغاز کرد در

سفر اول بین قصر و تمام جمع بخواند و در سفرهای بعدی تمام بخواند. این مسئله ۴۹ را که خودش ۷-۸ مسئله در آن بود تا این جا خدمتتان عرض کردم.

ما ۹ مطلب را در فرمایش سید بیان می‌کنیم.

نکته اول: برای استمرار شغل سفر گفتیم نباید توقف کند، ده روز چه در وطن و چه در غیروطن اقامت نکند، این حکم مشهور است و روایاتی برای او هم داریم یکی روایت یک باب ۱۱ جلد پنجم وسائل **صفحه ۵۱۵** که حضرت می‌فرمایند این مکاری یا جمّال که شتر کرایه می‌دهد و مرتب در حال رفت و شد هست (یختلف را امام بیان می‌کنند و هم معنا می‌کنند یکجا نمی‌ماند)، می‌فرمایند این شخص نمازش تمام و روزه ماه رمضان را هم باید بگیرد. این عبارت «لیس له مُقام» و منظور از مقام اشاره به ده روز دارد، یعنی کثرت ایام یا ثمانیة الایام را مقام نمی‌گویند و لذا صدق کلمه «یختلف» هم به همین است که اقامه ده روز نکند. حالا این لفظ ده روز گرچه در حدیث یک باب ۱۱ نیامده اما در حدیث یک باب ۱۲ تصریح به این شده است. هم مقام را عشره ایام معنی کرده و هم یک چیز اضافه دارد که چه در منزلش و چه در غیر منزل.

حالا اقامت کرد چقدر؟ حضرت می‌فرمایند اگر کمتر باشد مثلاً نه روز یا هشت روز اقامت بکند هم روزه را باید بگیرد و هم نمازش دائماً تمام است. بعد به این اکتفا نکردند و امام (ع) برای اینکه شبهه‌ای به ذهن نرسد می‌فرمایند اگر بیشتر از ده روز چه در شهرش و چه در غیرشهرش بماند در سفری که می‌رود تقصیر و افطار هست.

دقت داشته باشید این که می‌گویند «علیه التقصیر و الافطار» نمی‌گویند یک سفر یا دو یا سه، همین است که بعضی بد استفاده کردند که تا سه سفر بعضی گفتند تا دو سفر و ما می‌گوییم قدر متیقنش یک سفر است و اگر دو سفر بود امام واجب بود که بیشتر از یک سفر را بیان بکنند.

فقط خواستم ذهنتان آمده باشد و دیگر خیلی توضیح نمی‌دهیم. فقط خواستم عرض کنم که حدیث یک باب ۱۲ مفهوم آن حدیث قبلی یک باب ۱۱ را تصریح می‌کند لذا کسی نمی‌تواند بگوید حدیث یک باب ۱۱ مفهوم ندارد و فقط گفته که اگر مقام ندارد نمازش تمام است، حالا اگر مقام بود چه چیزی؟ ساکت است. این را کسی نمی‌تواند بگوید، لذا حدیث یک باب ۱۲ خیلی خوب است ولیکن در عین حال بزرگانی که چه بسا این حدیث را مشاهده نکردند یا ایراد داشتند و فقط به حدیث اول تمسک یافتند و فکر کردند که فقط حدیث یک باب ۱۱ است لذا خواستند کلمه مقام را بگویند منظور از مقام ده روز است، چطور؟

سه دلیل ذکر کردند خودشان را به زحمت انداختند و گفتند کلمه «ماندن» منظور ماندن ده روز است یکی به دلیل تبادل عند الاطلاق که وقتی مطلق گفته می‌شود اقامت ده روز به ذهن تبادل پیدا می‌کند. دوم به اجماع تمسک کردند و گفتند اجماع داریم بر اینکه اگر کمتر از ده روز را اقامت کرد تقصیر نمی‌شود. و دلیل سوم می‌گویند بنا بر اطلاق موجب تقصیر می‌شود و اگر بگوییم فرق نمی‌کند چه بالای ده روز که باعث قصر می‌شود چه کمتر از ده روز این موجب می‌شود که ما همه مکاری‌ها را بگوییم که ولو دو روز فی‌الجمله یک جا اقامت کرد، ولو نصف روز، باید بگوییم این سفر بعدی اش تقصیر است و معمولاً هم مکاری‌ها نصف روز و یک روز را اقامت دارند و دائماً در سفر نیستند پس همیشه باید شکسته بخوانند.

سه دلیل آوردند و خواستند بگویند که مقام ده روز است اما عرض می‌کنیم به آیت‌الله العظمی حکیم و دیگران که نیاز به این ادله و این زحمت‌ها نیست؛ ما روایت مقام ده روز را با صراحت داریم و لذا به آن تمسک می‌کنیم و نیاز نیست که خودمان را به زحمت این ادله بیندازیم.

نکته دوم: مراد از این روایات‌ها این است که این آقای مکاری یا هر کسی که عملش در سفر هست وقتی در شهری ده روز ماند مثلاً وطنش اگر اصفهان هست ده روز که در وطنش می‌ماند و بعد از ده روز حرکت می‌کند این را سفر اول می‌گویند. یا این که از اصفهان به قم رفته و آن‌جا وطنش نیست، ده روز اگر آن‌جا ماند وقتی از آن‌جا بیرون می‌آید آن سفر اولش می‌شود. پس توجه داشته باشید مراد از این عبارت‌ها این است که وقتی در مقصد می‌رود و ده روز می‌ماند بعد از آن شهر خارج می‌شود آن سفر اولش می‌شود که نمازش شکسته است.

نکته سوم: بعد از این که ده روز در سفر اول ماند قطعاً این آقای مکاری یا ملاح باید نمازش را شکسته بخواند و مشهور هم همین را می‌گویند اما در غیر سفر اول یعنی به سفر دوم که می‌رسد آیا همین نماز شکسته را ادامه بدهد یا به عموماتی برگردد که می‌گفت مکاری واجب است که تمام بخواند؟ ما می‌گوییم به عمومات برمی‌گردد چون سفر اول در حکم خاص و استثنا است.

لذا اکتفا به مورد متیقنش که همان یک سفر است و ده روز ماند می‌شود و حالا حرکت می‌کند ظاهراً همین یک سفر است، اما سفر دوم را امام استثنا زده‌اند بلکه برای سفر دوم به بعد به عمومات مکاری که کلاً گفتند این‌ها عمل سفر دارند و شغلشان در سفر است و مرتب رفت و شد می‌کنند نمازشان تمام است.

نکته چهارم: نکته‌ای از شهیدین نقل می‌کنیم که گفته‌اند عود به تمام در سفر ثالث است و الا در سفر اول و دوم شکسته است و در سفر سوم به تمام برمی‌گردد. چرا؟ دو دلیل ذکر کرده‌اند.

دلیل اول گفته‌اند که این آقای مکاری وقتی ده روز می‌ماند حالش مثل کسی است که تازه می‌خواهد شروع بکند و کسی که تازه می‌خواهد سفری را آغاز بکند ما نمی‌گوییم شغلش مثلاً کرایه دادن حیوانات است، حداقل باید دو سفر برود و بیاید تا سفر سوم صدق عرفی بکند. مانحن فیه کسی است که صدق مکاری بر آن است اما ده روز مانده است این را می‌گویند حالش مانند مبتدی است.

دلیل دومشان می‌گویند مقتضای حدیث یک باب ۱۱ این بود که می‌گفت یختلف یک قید رفت و شد داشت یعنی می‌رود و برمی‌گردد، این روایت که اختلاف را قید می‌کند (نه به معنای فارسی اختلاف بلکه به معنی رفت و شد) و می‌گوید نباید مقام داشته باشد و ده روز اقامت نکند پس صدقش برای کسی است که دو سفر برود و بیاید و در سفر سوم می‌گوییم یختلف، و غیر مقام آن وقت صدق می‌کند.

توجه دارید که **هر دو دلیلشان ایراد دارد** هم دلیل اول‌شان که گفتند وقتی کسی ده روز می‌ماند دیگر اسم مکاری از او زائل می‌شود و باید دو سفر برود، به ایشان عرض می‌کنیم که این‌طور نیست، اتفاقاً وقتی از عرف سوال می‌کنیم که شغل این آقا چیست؟ کسی ده سال مکاری بوده حالا در وطنش یا در غیر وطن ده روز مانده او که صدق مکاری از او زائل نمی‌شود و عرف می‌گوید که شغل او مکاری است و این غیر از مبتدی است.

نکته بعدی هم این کلمه اختلافی که در عبارت بود می‌گفت که وقتی رفت و شد می‌کند باید دیگر نمازش را شکسته بخواند این یک امر تعبدی در روایت بود نه به خاطر زوال اسم مکاری. حضرت نگفتند که چون مکاری از او زائل می‌شود که ما دنبال این باشیم که آیا با یک سفر مکاری به او گفته می‌شود یا باید دو یا سه سفر باشد، اصلاً کاری به زوال اسم نداشتند و ما گفتیم قطعاً اسمش زائل نشده حالا ده روز هم این‌جا بماند و او هنوز مکاری است روایت هم این را نمی‌گوید.

آن دلیل دومشان هم که اصلاً دلیل عین مدعاست؛ می‌گویند روایت که می‌گوید رفت و شد بکند، رفت و شد زمانی است که دو سفر برود و در سفر سوم دیگر رفت و شد صدق می‌کند؛ به ایشان عرض می‌کنیم کلمه یختلف که در حدیث یک آمده مقتضایش

مدعای شما نیست، اگر مدعای شما باشد باید بگوییم دلیل عین مدعاست چون دلیل می‌گوید یختلف ولا یقیم عشرة الايام پس دو سفر باشد. یکی هم می‌گوید نه و همان یک سفر کافی است. علی‌ای حال کلامشان صحیح نیست و ما اصلاً یک چیز دیگر می‌گوییم. می‌گوییم این دلیل و روایت که می‌گوید یختلف و اقامه نکند تا نمازش تمام بشود کاشف از این است که شغلش سفر باشد و همین‌طور رفت و شد بکند و مشغول به عمل سفر باشد به‌گونه‌ای که اقامه ده روز با آن منافات دارد. این منظور است و الا ۹ روز با آن منافات ندارد اما وقتی ده روز باشد حالا هر چقدر هم بگوید عملیت من سفر است می‌گویند چرا ده روز این‌جا ماندی و تو ده روز است که این‌جا ایستادی.

لذا امام برای این که دقیق دست ما معیار داده باشند صدق عمل را ده روز بیان می‌کنند. همان طوری که باز حدیث دلالت می‌کند که مکاری اگر ده روز اقامت نکرد و سفر بعدی را شروع کرد واجب است تمام بخواند ولو این که در سفر دوم باشد.

سفر اول را روایت تصریح کرد که بعد از ده روز شکسته بخواند اما سفر دوم را دیگر روایت تصریح نکرد که شکسته است لذا باید عمل به عمومات بکنیم و بگوییم اگر بین سفر دوم با سفر اول ده روز فاصله نیفتاد آن وقت دیگر فرق نمی‌کند، چرا؟ چون آن سفری که از روی اقامت ده روز باشد نمازش شکسته است اما سفر دوم لایکون السفر عن الاقامه حتی یقال قصر؛ وقتی این صدق نکرد رجوع به عمومات می‌کنیم که می‌گفت بر مکاری نماز تمام است.

نکته پنجم: این حکمی که داریم بیان می‌کنیم، جاری است فی کل من کانَ عملُهُ السفر. ما روایت را که نگاه می‌کنیم مختص به مکاری نیست، روایات تصریح می‌کند به ملاح، راعی، مثل صحیح زبارة حدیث دو باب ۱۱ آن‌جا اصلاً می‌گوید چهار گروهند و فقط مکاری نیست، هر کس که سفرش مربوط به شغلش است و شغلش را در سفر انجام می‌دهد، مکاری، کریه، راعی و اشتقان. اشتقان گفتیم به معنای پستیچی هست، حضرت فرمودند که این چهار گروه عملشان سفر است لذا باید نمازشان را کامل بخوانند.

در حدیث سه «ملاح» را اضافه کرد در حدیث هفت تصریح می‌کند «اصحاب شُفن» پس فقط مکاری نیست کشتی بان هم همین‌طور است، حدیث هشت هم باز همین‌طور است. این‌ها را خودتان ملاحظه بکنید. در حدیث ۹ اضافه‌تر می‌کند و می‌گوید هفت گروه هستند که نمازشان شکسته نمی‌شود. در کتاب جواهر می‌گویند اجماع هم هست که مختص به مکاری نیست، در عین حال که این همه روایت داریم و صاحب جواهر هم می‌گویند که من مخالفی نیافتم.

آیت‌الله العظمی خوئی می‌فرماید «اظهر آن است که حکم تمام مختص به مکاری است». وجهی برای کلام و فتوای ایشان نیست. خلاف اجماع و خلاف نص روایات است حتی روایت صحیح.

نکته ششم: گفتیم در سفر دوم دیگر این کسانی که شغلشان چنین است نمازشان تمام است و همین‌طور سفر سوم. فرقی بین سفر دوم و سوم نیست. در این نکته ششم می‌خواهم این را عرض بکنم گرچه ادعا شده است که اجماع تمام به سفر سوم اختصاص دارد اما در سفر دوم ادعای اجماع نشده است.

نکته هفتم: مصحح یونس بن عبدالرحمن حدیث یک باب ۱۲ به صراحت دلالت دارد بر اینکه مکاری زمانی که کمتر از ده روز اقامت بکند دائماً روزه و نماز تمام بر او واجب است. تصریح بر این دارد که اگر کمتر از ده روز مکاری ماند مثلاً نه روز یا هشت روز ماند و باز هم سفر کرد هم روزه را باید بگیرد و هم نماز را تمام بخواند. این نکته هفتم را برای نکات بعدی دارم می‌گویم که ذهنمان آماده باشد.

نکته هشتم: دلیل سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه چیست که گفتند احوط آن است که اگر پنج روز اقامه کرد جمع بخواند؟ دلیلشان حدیث پنج باب ۱۲ است. مکاری اگر مستقر نشد در منزل خودش مگر پنج روز یا کمتر مثلاً چهار روز ماند، می‌فرماید که نصف حکمش قصر و نصفش تمام است. نماز روز یعنی ظهر و عصرش قصر است اما شب نماز عشا تمام است. بعد هم فرمودند اگر در شهری که می‌رود ده روز یا بیشتر بماند و بعد به منزلش برمی‌گردد و در منزلش هم ده روز یا بیشتر می‌ماند حکم نمازش قصر و افطار است. هر دو را گفتند شبانه روز سفر اولش نمازش شکسته و افطار هم بکند.

این روایت پنج در واقع آن قسم اولش را باید دقت بکنیم چند ایراد دارد. آیا پنج روز اگر کمتر ماند فقط نماز روزهایش شکسته است اما شبها تمام بخواند؟ **اولاً** اجماع بر خلافت داریم و اجماع بر ده روز است و لذا جایز نیست عمل به این روایت بکنیم.

ایراد دوم هم در خود روایت است که من هرچه گشتم دیدم مجتهدین دیگر این ایراد را ذکر نکرده‌اند و یک مقدار از شما عزیزانی که صحبت‌های بنده را می‌شنوید التماس دارم که این زحمت را بکشید و ایراد دوم من را ببینید چیست؟ ایراد دوم این است که این روایت مانند کمتر از پنج روز را گفته و مانند بیشتر از ده روز را نیز گفته اما مانند بین این دو را اصلاً ذکر نکرده است. این هم یک ایراد است که اگر کمتر از پنج روز ماند روزها نمازش شکسته و شب تمام است، اگر بیشتر از ده روز ماند روز و شب نمازش شکسته و افطار هم بکند. ایرادی که به روایت هست اینکه حالا اگر بیش از پنج روز و کمتر از ده روز ماند چکار کند؟ روایت ساکت است.

لذا باید این‌طور بگوییم اصلاً من فکر می‌کنم که روایت اشکال نسخه‌ای دارد و باید عبارت این‌طور باشد که اگر پنج روز یا بیشتر تا ده روز (اصلاً کمتر از پنج روز نباید می‌گفت و باید بالای پنج روز را بگوید)، اگر روایت این‌طور بود بهتر قابل قبول بود و اگر بگوید مکاری پنج روز تا ده روز ماند حکمش نصف می‌شود روزها نماز شکسته و شبها تمام و روزه را هم بگیرد. این هم به‌خاطر این‌که چون شبها استراحت دارد و زیاد خسته نیست نماز را تمام بخواند اما وقتی که مقام او به ده روز رسید حکم اضافه می‌شود و آن این است که در شبانه روز شکسته بخواند و روزه را هم افطار می‌کند.

باید ما حدیث را این‌طوری معنا بکنیم والا بخواهیم اکتفاء به اقل از خمسة بکنیم از هیچ مجتهدی چنین چیزی نقل نشده است و علی‌ای حال ما چه این ایراد را بگیریم چه نگیریم کلام سید در عروه مخدوش است، چرا؟ چون احتیاط کردند و احتیاطشان این است که گفتند جمع بخواند اگر کمتر از ده روز یعنی پنج روز ماند.

به ایشان عرض می‌کنیم که اگر شما می‌خواهید به روایت هم عمل بکنید حداقل بگویید احوط با اقامه خمسة جمع در روز است و شب را که دیگر روایت نگفته بود و گفته بود که باید تمام بخواند و روزه را هم که گفته بگیرد پس اگر بخواهیم احتیاط بکنیم باید احتیاط را مختص به صلاة نهار بگیریم «دون لیل دون صوم».

نکته نهم: مختصر بگویم؛ سید گفتند فرقی نیست بین این‌که نیت اقامه برای ده روز بکند یا نکند و همین‌طور مجرد بقا کافی است، یعنی در خارج از ذهنش همین‌که ده روز بماند بعد از ده روز حکم نماز او به شکسته برمی‌گردد لذا ظاهر روایات و مشهور فتاوایی که نزدیک به اجماع است فرق بین لزوم نیت در غیر شهرش نگذاشته‌اند. مثلاً قم رفته آن‌جا را بگوییم لازم است نیت بکند اما در مورد شهر خودش بگوییم لازم نیست نیت بکند و همین‌که ده روز در شهر خودش بماند کافی است. این فرق بعید از روایات است، چون روایات چه وطن و چه غیروطن را کنار هم ذکر کرد و چیزی از نیت بیان نکرد.

اما نکته آن این است که امام در صدد بیان کل نبودند لذا باید بگوییم مقام ده روز در شهر خودش آنجا که در شهر خودشان حاضر است دیگر نیت لازم نیست، برخلاف غیر بلد و آنجایی که شهر دیگر رفته است مقام با نیت حاصل می‌شود. لذا علامه مجلسی حتی ادعای اجماع کرده‌اند که نیت در غیر وطنش معتبر است؛ ما درعین حالی که اجماع را قبول نداریم چون اصلاً این

مسئله در عبارت‌های قدما مذکور نیست اما در عین حال احتیاط واجب می‌کنیم که اگر در غیر شهر خودش اقامه کرد اما بدون نیت، ده روز ماند یا یازده روز ماند نیت هم نداشت در سفر اول جمع بکند و در سفرهای بعدی تمام بخواند.

انتهای پیام/

برچسب‌ها: اجماع، حدیث، درس خارج فقه، سفر، سید ابوالحسن مهدوی، نماز

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>

Copyright © 2015 ندای اصفهان. All rights reserved.